

تاریخ	حاضران	مسئول محفل	موضوع	محفل
۱۲ خرداد ۹۸	۱۹ نفر	مهندس فرهاد بوتراپی شیرین ابراهیمی	شعر مدرن	پنجاه و یکم

معقول باش ای درد من، و اندکی آرام تر گیر  
تو شب را می طلبیدی و او هم اکنون فرا می رسد  
جوئی تیره، شهر را دربر می گیرد  
کسانی را آسایش می آورد و کسانی را تشویش.  
بدان هنگام که فوج رجاله های پست  
در زیر تازیانه ی لذت که دژخیمی غدار است  
می روند تا در جشن بنده پرور، میوه های ندامت بچینند؛  
ای درد من، دستت را به من بده و دور از آنان، از این سو بیا.

شارل بودلر



پنجاه و یکمین محفل شعر ماهانه کمیته شعر و ادب، در روز یکشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۸، به "شعر مدرن" با ارائه‌ی آقای همایون مجیدی اختصاص داشت.

پس از رسمیت جلسه، آقای مهندس ذوقی خیر فوت آقای مهندس شفاهی، از مهندسین پیشکسوت کانون، که دستی هم در شعر و ادب داشتند را اعلام و درخواست یک دقیقه سکوت به احترام ایشان نمودند. جلسه مطابق معمول با معرفی حاضرین و میزبان و قرائت متن محفل توسط آقای مهندس فoadی، نایب رئیس کمیته آغاز گردید.

در بخش اول محفل، جناب مجیدی به دسته‌بندی شعر مدرن، جایگاه آن در ادبیات جهان و ایران و ویژگی‌های آن اشاره کردند. در این بخش نه تنها از سینما، تئاتر و رمان سخن به میان آمد. سپس آقای مجیدی به ارائه توضیحاتی در مورد شعر مدرن پرداخت. به بیان ایشان، مدرنیته سرنوشت محتوم بشر و جامعه ما است و شعر و ادبیات هم باید به همان سو برود، اما با نقل قولی از کافکا، اینکه چگونه و از چه مسیری، فعلا مشخص نیست.

شعر در اروپا یک سنت پیوسته است که از زمان یونان قدیم تاکنون هویت خود را حفظ کرده است. شعر مدرن ریشه‌های فکری خود را از انقلاب فرانسه می‌گیرد و در واقع محصول عصر روشنگری است، البته با تمام مزایا و معایب آن.

شعر مدرن، از زندگی شهرنشینی، از یک دیدگاه غیر الهی برای تبیین جهان مادی (متکی بر علم)، از دوگانگی اندیشه مذهبی و باورهای غیر مذهبی در فرد و جامعه و نهایتا توجه شاعر به فکر و اندیشه بیش از زبان غنائی بیرون می‌آید.

شعر مدرن به عنوان یک ویژگی فراگیر، در پی نوعی تذکار به خواننده برای اندیشیدن است، به همین علت گاه طنز و هزلی بسیار تلخ دارد و بنابراین به مفهومی عام، لبه‌ی تند سیاسی دارد.

با توجه به موارد فوق، موضوع اصلی شعر مدرن، ریشه در سندرم یا بیماری عدم ارتباط انسان‌ها، تنهایی انسان، که از نتایج جامعه مدرن است، دارد.

سه سنت شعری به عنوان جریان‌های اصلی شعر مدرن شناخته می‌شوند که هر یک به نحوی در نحله‌های فکری، ادبی و هنری بعد از خود تاثیرگذار بوده‌اند:



- سنت فرانسوی با شاعرانی نظیر بودلر، رمبو و لامارمه

- سنت آمریکائی با والت ویتمن

- سنت آلمانی با هولدرلین

از نظر فرم، شعر را میتوان به شعر نو، مدرن و آوانگارد تقسیم کرد. به عنوان مثال در اشعار بودلر اگرچه فرم هگزامتر فرانسوی، که به آن غزلواره یا سانت می گویند، است، اما شعر کاملاً به لحاظ اندیشه مدرن است، این ماجرا در شعر رمبو خود را به صورت آوانگارد نشان میدهد که در شعر بودلر اثری از آن نمی توان یافت.

در ادامه صحبت از شعر مدرن در ایران شد. آقای مجیدی به نقل از داریوش شایگان و کریستف بالائی گفتند که شعر ایران در مرحله ی پیشا - بودلری است. متأسفانه اشعار شاعران مدرن تقریباً در ایران ترجمه نشده و شعر مدرن برای خواننده ایرانی مقوله‌ای کاملاً بیگانه و ناآشنا است.

برای داشتن شعر و شاعر مدرن باید اندیشه‌ی مدرن داشت و ما در ایران متأسفانه نه زیرساخت اجتماعی و نه زیرساخت های زبانی لازم برای آن را نداریم. شاید به همین دلیل است که شعر مدرن در ایران با انکار و عدم قبول اهل ادب مواجه می شود. البته با همان اشاره مجدد به کلامی از کافکا، ما نهایتاً در ایران شعر مدرن خواهیم داشت، چون جامعه الزاماً و محتواً به سمت مدرنیته می رود، اما چگونه، در چه زمانی و توسط چه کسانی، پرسش‌هایی است که فعلاً بی جواب است.

شعر مدرن، بر بالای قامت ادبیات کلاسیک نشسته، ممکن است خودش چندان بزرگ نباشد، اما به تعبیری، همچون کوتوله ای که بر شانه ی غولی نشسته، افق و گستره ی دید آن از غول بیشتر است!

در ادامه آقای مهندس قبادی سؤال کردند: ((شما تاکید بر فکر و اندیشه دارید و فرم را معلول میدانید، آیا شعر مدرن نتیجه آدم های غیرمتعارف و نابغه است یا نتیجه تطور جامعه و اندیشه؟))

آقای مجیدی پاسخ دادند: ((ما جامعه مدرن داریم که در آن شاعران مدرن زائیده می شوند. شاعر مدرن فرد تک افتاده در جامعه نیست و اتفاقا یکی از موارد اختلاف با سنت های قدیم اندیشه و ادبی هم این است. مثلا شما در یک جامعه قرون وسطائی و حتی عقب تر، ناگهان حلاج را دارید. انسان مدرن و جامعه مدرن، بنا به ذات خود طبیعتی غیرالهی و غیرآسمانی دارد و اندیشه و بیان خود را از خود می گیرد. البته خوب باید قبول کرد که در وضعیتی خاص، آدم با قریحه و حتی نابغه ای هم مثل بودلر باشد تا آن شعر سروده شود.))

خانم مهندس توانائی سؤال کردند: ((در جامعه ی جهانی شده ی امروز ما، آیا ارتباط اجتماعی و انسان ها به لحاظ کلام شعر، باعث به وجود آمدن یک جریان مدرن در شعر ما نمی شود؟))

آقای مجیدی با تایید این موضوع گفتند: ((البته این جریان در فکر و اندیشه ما تاثیرگذار است. کما اینکه داستان نویسی ما در سال های گذشته از این موضوع بسیار تاثیر گرفته و پیشرفت داشته است، اما شعر نه.))

در جریان جلسه، بحث نیز در خصوص مفهوم مدرنیته، وضعیت اندیشه در ایران دو - سه دهه اخیر، وضعیت ترجمه و به خصوص ترجمه شعر در ایران نیز مطرح شد که حاضرین به فراخور نظریاتی ارائه دادند. بخش نخست با تقدیر از جناب محمدی و اهدای کتاب تاریخ هشتادساله دانشکده فنی توسط مهندس زهری و مهندس بوتراپی به ایشان پایان یافت.



در بخش دوم محفل، مطابق روال معمول، حضار به شعر و نثرخوانی آزاد پرداختند. در این برنامه عزیزانی چون مهندس فاطمه توانایی (مهندسی معدن، ۹۱) و مهندس سیاوش صالحی (مهندسی صنایع، ۹۴) اشعاری از سروده‌های خود را خواندند. در ادامه شعر مهندس سیاوش صالحی آمده است :



به روی سینه دیوار عکس غصه قاب نمی شد  
اگر که برکه ی این عشق منجلاب نمی شد  
خدای قادر آن غرق خواب نمی شد  
به این حیات که یک لحظه بی عذاب نمی شد  
پس از تحمل این سایه آفتاب نمی شد  
چطور این همه خون جگر شراب نمی شد  
وگر نه آخر این شعر بی جواب نمی شد  
سیاوش صالحی

اگر که بر سر ما زندگی خراب نمی شد  
اگر که عقل به ما پشت هم دروغ نمی گفت  
جهان به جای جهنم بهشت می شد اگر  
به من بگو که چگونه ادامه می دادم  
چرا شکوه زمستان به سر نمی آمد  
کجا فرار کنم از خودم از این تقدیر  
به من نگفت چگونه چرا چطور کجا کی؟

در پایان و به هنگام اذان مغرب، پذیرائی افطاری مختصری از حاضرین به عمل آمد و از تمام عزیزانی که ما را در محفل پنجاه و یکم کمیته شعر و ادب همراهی نموده اند، سپاسگزاریم.

کمیته شعر و ادب

کانون مهندسین فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران